



۲۰۱۸/۰۵/۱۰

انجنیر عبدالصبور صافی

ریشه مخالفت ها

با تذکره الکترونیک در کجاست؟

حرفهای غیرمسئولانه توهینانه و اهانت آمیز یکتن از وکلای معلوالحال از تریبون پارلمان کشور جهت بازاریابی سیاسی و خوشنودی بادران نابکارشان در حال حواله ملت میشود که وطن در تنور جنگ سخت تشنه اتحاد و یکپارچگی ملت بلاکشیده خود است، جای نهایت تأسف بحال آنعه از اعضای پارلمان که به نماینده گی ملت داخل پارلمان نشسته اند و به این سخنان ابله گوش فرامیدهند ولی برخورد قاطع در دفاع از ملت در چوکات قانون نمیکند، آیا لازم است چنین افراد که افغانستان را نمیپذیرد مادر پارلمان افغانستان حضور داشته باشند؟

بدون شک که در هر پارلمان مخالفت ها و اپوزیسیون وجود دارد ولی آن مخالفت در خصوص اجرا و شیوه دولت داری و قانون گذاری میباشد نه در مورد تحریف نام و نشان و مرزهای یک کشور، رهبران جدایی طلب <کاتولونیا> در هسپانیه صرف با اعلان استقلال به ۲۵ سال زندان دمهده دموکراسی محکوم میشوند ولی آقای لطیف پدram با عین موقف در پارلمان افغانستان باز هم با افتخار قدم میزند، فعالیت سیاسی میکند، از امتیازات پارلمانی هم برخوردار است و خم آبرو نمیآورد آیا مایه تأسف نیست! چطور به چنین وکلای که در پارلمان افغانستان تکیه زده ولی افغانستان را منیحت ملک خود نمی شناسد اجازه میدهم که داخل تالار پارلمان کشوری شود که نظربه اظهارت خودشان به آن تعلق ندارند، این آقا حرف از تحریف هویت میزند نمی دانم که جناب از کدام هویت حرف میزند آیا میداند هویت یعنی چه و چه وقت انسان صاحب هویت شده میتواند؟

پس بهتر است حرف چند در باره پدیده ادراکی که هویت نامیده می شود و حاوی تصویری از <خود> که به رفتارها، انگیزه ها و حتی احساسات افراد سمت و سو میدهد سخن گفت، فردی که خود را تبعه یک کشوری داند و در هویت یک همشهری قرار میگیرد دارای مجموعه به هم پیوسته ای از آگاهی ها، تصورات و انتظارات است که رابطه او با محیط اجتماعی اش را تنظیم و تعریف می کند، تبعه و یا همشهری برای خود حقوقی قایل است و آنها را از مدیران شهری دائماً بدست میآورد، تابعیت در رژیم های مردم سالار با گذشت زمان رشد می یابد و سرانجام سه بُعد مشخص پیدا می کند که عبارت اند از:

- بُعد مدنی: شامل آزادی بیان، حق محاکمه منصفانه، دسترسی برابر به نظام قانون را در برمیگیرد.

● بُعدسیاسی: که شامل حق رأی، نامزدی مقامات انتخابی، حق شرکت در احزاب سیاسی و مشارکت به شیوه های گوناگون در روند قانونگذاری است.

● بُعد اجتماعی. همان مزایای بیکاری، مزایای حفظ الصحو و مزایای آموزشی اتباع میباشند.

این ابعاد همیشه در تکامل بوده و همه برای اتباع کشور در افغانستان مهیا است، همین آقا و آنها نیکه حرف از خراسان میزنند و نام افغانستان را نمیپذیرند همین اکنون در پارلمان کشور نشسته، باری خود را به ریاست جمهوری در مقابل کرزی کاندید کرده که رأی حتی نیم فیصد هم نیاورد، همین اکنون عملاً رهبر حزب به اصطلاح کنگره ملی میباشند، ولی بدون خجالت از این همه رفای سیاسی، اجتماعی و مدنی که وی بهر مند است؛ خود و هویت خود را تحریف شده و زیرستم میدانند! مسخره نیست؟

پس این آقا به کدام حق خود و قوم خود را زیرستم و حذف حقوق هویتی، قومی و شهری تعریف میکند!

مبارزه بشوۀ ماکیاولیستی و انارشستی که شکل واقعی و انسانی مبارزه جهت رسیدن به کرسی و مقام نیست، بلکه راه ها و شیوه های دموکراتیک و مردمی دارد که باید از آن استفاده شود، کاملاً مبرهن است که بعضی ها زیر نام دفاع از حقوق ملیت ها و اقوام پی منافع و کسب قدرت خود اند و عدۀ دیگر جهت تحقق منافع یکعده کشورهای همسایه مصروف مبارزه اند تا به این شیوه زراندوزی کنند، بدون درک از واقعیت های جامعۀ کثیر القومی، دست به مزاحمت های میزند تا به شکل از اشکال جلو پیشرفت اجتماعی اقتصادی کشور را سد شوند تا مگر بتواند بدین وسیله به اغراض شوم خود از نام قوم و ملیت کسب شهرت و زمان کنند.



آیا افغانستان کشور چند ملیتی است یا چند قومی :

در این جا لازم میدانم قسمت از مقاله جناب داکتر سید عبدالله کاظم را خدمت دوستان تقدیم نمایم؛ ((جناب کاظم در مورد ملت چنین مینویسند: عام ترین و معمول ترین تعریف در مورد ملت اینست که: ملت مجموعه ای مشخص از افرادیست که دارای اهداف و آمال مشترک، مسؤلیت ها و منافع مشترک بوده و بصورت متداوم در یک سرزمین مشخص زیر یک نام زندگی میکنند در اینجا سلطه ملی که آنرا حاکمیت ملی نیز گویند ملتها را به ملت های آزاد و ملت های غیر آزاد تقسیم میکند.

در طول تکامل ملتها، عناصر متفاوت محور همبستگی را، میان مجموع افراد یک سرزمین بنام یک ملت به وجود آورده است، از جمله زبان، نژاد، دین، مذهب، قومیت، سیاست و غیره. آنچه جوامع و ملل امروزی را از گذشته متمایز میسازد آنست که در شکل و تکامل ملل جدید عناصر فوق الذکر نقش خود را تدریجاً از دست داده بنابر آن سواى تعريف ها قرار گرفته اند، اکنون مللی را می نگریم که با وجود زبانهای مختلف، نژاد های مختلف، اقوام مختلف، ادیان و مذاهب مختلف به حیث یک ملت واحد تبارز نموده و هویت ملی خود را ثبت کرده اند. به عبارۀ دیگر اقدامات عملی و نظری که به منظور نیل به اهداف و آمال مشترک، رسیدگی به مسؤلیت های مشترک و تأمین منافع مشترک صورت میگیرد، افراد مقیم یک سرزمین را « با وجود تفاوت های زبانی، قومی، نژادی، دینی، و مذهبی» به حیث یک ملت واحد

دور یک محور همبسته و متحد نگه میدارد و زندگی فردی و جمعی ایشان را تنظیم میکند، این احساس اتحاد و همبستگی ملت را بدور یک محور مشترک؛ «وحدت ملی» می نامند، از اینجاست که استحکام وحدت ملی یک پدیده حیاتی در موجودیت ملتها محسوب میشود. ثبات و قدرت ملت در قدم اول مستقیماً متناسب به اندازه استحکام وحدت و همبستگی ملی آنست. هر گاه احساس ناشی از وحدت ملی از بین برود شیرازه های موجودیت ملت از هم می پاشد و ملت محکوم به انقراض میگردد.

وامامیت: اصطلاح ملیت از نظر لغوی در حقیقت وجه نسبتی ملت یعنی مربوطیت و منسوبیت افراد را به ملت متعلقه بیان میکند، مثلاً می پرسند ملیت شما چیست؟ گفته میشود: افغان، ایرانی، ترک، دوچ و غیره هرگاه به زعم ناقص، مفهوم «ملیت» را به حیث «مردم دارای خصوصیات فرهنگی، زبانی و یا مذهبی بخصوص» مرادف با مفهوم «ملت» بکاربریم، در آنصورت در حدود سیاسی یک کشور، صحبت از ملیتها چنین معنی میدهد که در آنجا وحدت ملی در چوکات یک ملت واحد وجود ندارد یعنی آنکشور متشکل از ملت های مختلف است که هر یک دارای آرزوها، آمال مسؤلیتها و منافع متمایز از هم بوده و فقط روی اهداف خاص باهم به اشتراک مساعی پرداخته اند. اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی «سابق» یکی از مثالهای خاص یک کشور کثیرالملیتی است.))

از این دو تعریف برمی آید که **افغانستان یک کشور چندقومی است نه کشور چند ملیتی و هویت هر قوم در تذکره های الکترونیکی کاملاً واضح و روشن است، کلمه افغان منحصراً ملت هم به پشتون هم به هزاره و هم به تاجک و نورستانی و گجر یک سان بکاررفته است که جای برای تحریف هویت یک قوم و یا گروه وجود ندارد بلکه همه از احترام و ارزش یکسان برخوردار اند.**

باوجود این همه استدلال های منطقی که از طرف اهل علم و دانش صورت گرفته است و همه چیز مانند آفتاب روشن است یکعده معلوم الحال به شمول آقای داکتر عبدالله عبدالله مخالف روند توزیع تذکره های الکترونیکی میباشد آیا واقعاً حرف از تحریف و تحمیل هویت است و یا در عقب آن حرفهای دیگر وجود دارد!!

بباید صادقانه حرف بزنیم کمی و کاستی ها و هم دستاورد ها را برشماریم، اگر یک نظر مختصر به اوضاع امنیتی، سیاسی و اقتصادی کشور نمایم همین اکنون در ۲۶ ولایت کشور جنگ جریان دارد یافته های تحقیق اداری احصاییه مرکزی از وضعیت زندهگی مردم نشان می دهد که ۵۴٫۵ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر زندهگی می کنند. اداره احصاییه مرکزی در مورد وضعیت زندهگی مردم در سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ تحقیق کرده است. این اداره روز یکشنبه (۱۶ ثور) با حضور مقام های حکومتی و نهادهای کمک کننده ی افغانستان نتایج این تحقیق را ارایه کرد.

در این ارتباط در اعلامیه ی بانک جهانی، ضمن نگرانی شدید از میزان فقر در میان مردم افغانستان، آمده است که میزان بلند فقر رابطه ی مستقیم با رکود فعالیت های اقتصادی، افزایش نفوس و بدتر شدن وضعیت امنیتی دارد. این نهاد می گوید که در اثر سال ها جنگ و ناامنی، ساختار اقتصاد افغانستان از هم فروپاشیده و منابع بشری و معیشتی آن به شدت آسیب دیده است.

اما آیا فقر که با عدالت اجتماعی و ناکارآمدی دولت در امر توسعه‌ی روزافزون اقتصادی و توزیع منابع مادی پیوند دارد، به اندازه‌ی کلمه‌ی افغان و تذکره‌ی الکترونیک در میان نخبه‌گان افغانستان، چه در پارلمان و چه در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، غوغا برپا کرده است؟

نه خیر نکرده است چون که در افغانستان منافع گروهی، سمتی و شخصی با ارزش تراز منافع ملی است، نماینده خاص اتحادیه اروپا در افغانستان گفت که «توزیع تذکره‌های الکترونیک، افغانستان را جایی امن‌تر خواهد ساخت، حکومتاری را قوی و خدمات را بهتر خواهد کرد. بی بی سی».

افغانستان تا اکنون آمار دقیق از نفوس کشور را ندارد درحالیکه فقر، بیکاری و بیچارگی بیدامی‌کند باوجود کارهای ارزشمند داکتر غنی در ساحت اقتصادی دولت باید برای واردات، صادرات و رفای اجتماعی خود آمار نفوس کشور را داشته باشد درحالیکه ندارد، رئیس اجرائیه کشور بدون توجه به زندگی مردم از شروع حکومت وحدت ملی تا کنون هیچ موضوع نبوده که آقای عبدالله عبدالله با آن اظهار مخالفت نکرده باشد چون که نزد محترم حرف برسر منافع گروهی و کسب قدرت و سرمایه‌گذاری به انتخابات آینده مهمتر است نه رفای عامه نه زدودن فقر و فلاکت نه بیکاری و بیچارگی و فرار جوانان!

بیشتر از همه داکتر عبدالله عبدالله، حزب جمعیت اسلامی و شورای نظار خواستار انتخابات شفاف اند ولی چرا از گرفتن تذکره الکترونیک که شفافیت انتخابات را تضمین میکند ابا میورزند ریشه این اختلاف در چیست؟ لطفاً توجه کنید که از تذکره الکترونیک مفسدین نفع می‌برند و یا ملت!

- ۱- با گرفتن تذکره الکترونیک در همه عرصه‌ها شفافیت بوجود می‌آید. مفسدین شفافیت نمی‌خواهند!
- ۲- با گرفتن تذکره الکترونیک آمار دقیق اقوام، و نفوس کشور معلوم میشود که این کار مایه‌ی نگرانی غاصبین حقوق اقلیت‌ها است.
- ۳- با گرفتن تذکره‌های الکترونیک کنترل بر واردات و صادرات تحقق می‌یابد. قاچاق بران معادن و صنایع متضرر میشود پس تذکره نمی‌خواهند.
- ۴- با گرفتن تذکره‌های الکترونیک کنترل بر درآمدها، پولشویی‌ها معاملات غیرشفاف پولی صورت می‌گیرد. مورد پسند مافیای اقتصادی نیست.
- ۵- با گرفتن تذکره‌های الکترونیک انتخابات شفاف صورت می‌گیرد و کسی نمیتواند زبرده نام و ده تذکره ده بار رأی بدهد. گروه‌های جهادی و عبدالله عبدالله خوش ندارد این روند را.
- ۶- با گرفتن تذکره‌های الکترونیک از ورود افراد خارجی به داخل افغانستان کنترل دقیق صورت می‌گیرد که بالای اوضاع امنیتی کشور تأثیر مستقیم و بسزای دارد. مفسدین هرگونه هرج و مرج را به نفع خود میدانند.
- ۷- با گرفتن تذکره الکترونیک زمینه قانونی و دموکراتیک بدون جاروجنجال و کشمکش برای تغییر قانون اساسی کشور حتی تغییر نام افغانستان از طریق یک ریفاندوم و یا تشکیل لویه جرگه مهیا میگردد. ولی دشمنان هرج و مرج را برای امتیاز گرفتن راه معقول میدانند وای به حال ملت بیچاره که در گروه‌ها چه کسان قرار دارند.

لازم بود که این تذکره های الکترونیک در قدم اول و در دوره اول حکومت کرسی توزیع میشد تا از یک طرف اساس یک دولت معیاری گذاشته شود و از طرف دیگر دولت بتواند به همه بخش ها تسلس و نظارت کامل داشته باشد ولی کرسی هیچ اقدام در تشکیل یک دولت معیاری در کشور نکرد.

جای شنیدم شاید هم شوخی باشد، قرار بود توزیع این تذکره ها در زمان کرسی صورت گیرد و باید هم صورت میگرفت و اولین تذکره راهم جناب شان باید اخذ میکرد وقتی برایش گفتند که تذکره های الکترونیک آماده اند و این مزایا را دارد گفت « گمیشکو گمیشکو این چه بلا است و دراریش» از این رو وی قانون ثبت احوال نفوس را بی سروصدا زیر زانو خود گذشت در حالیکه حساسیت موضوع را درک میکرد ولی دست بکار نشد اکنون هم در مورد اخذ این تذکره از درز دیوار ترصد میکند.

حال همه خواننده گان خود قضاوت کنند به گذشته و کارنامه های سیاهی افرادی نگاه کنند که پشت تریبون ها قرار میگیرند و با تبلیغات زهر آگین مردم را جهت نگرختن تذکره های الکترونیک تشویق و گمراه میکنند، آنها تا اکنون به بهانه های مختلف توزیع تذکره ها را به تعویق انداخته و می اندازند، وقتاً فوقتاً برای دولت دردسر ایجاد میکنند تا بدین ترتیب جلو پیشرفت پلانه های اقتصادی و اجتماعی دولت جهت صلح و رفای عامه را بگیرند و دولت را مصروف کارهای فرعی نمایند در حقیقت اینها اند که جلو ترقی، تعالی و تأمین صلح در کشور را میگیرند اگر این مفسدین شامل دولت بجای شان نشانده شوند که توان فعالیت نداشته باشند و از امور دولتی دست شان کوتاه گردد استقرار صلح و امنیت زمان زیادی را دربر نخواهد گرفت.

